



حق فسخ ناشی از پیش بینی نقض قرارداد در اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی، کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا و حقوق ایران

رسول قاسمی^۱
محمد هادی مهدوی^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۹۷/۲/۹ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۷/۷/۳

چکیده

در اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی و کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا هرگاه قبل از موعد انجام تعهد، متعهد اعلام کند که موضوع قرارداد را انجام نمی‌دهد یا نشانه عدم توانایی وی از انجام تعهد آشکار شود، نقض قرارداد قابل پیش بینی است. در این صورت، متعهد له می‌تواند قرارداد را فسخ کند اما در حقوق ایران در صورت احتمال عهد شکنی مواردی از فسخ قرارداد وجود دارد. خیار تفلیس و تعذر تسلیم از مصادیق نظریه پیش بینی نقض قرارداد در حقوق ایران هستند. نگارنده معتقد است نظریه پیش بینی نقض قرارداد با استفاده از قواعد و اصول مسلم حقوقی مانند قاعده دفع ضرر محتمل، بنای عقلا و نظریه عدالت معاوضی و قاعده نفی غرر در حقوق ایران قابل پذیرش است.

کلید واژه‌ها

فسخ، پیش بینی نقض قرارداد، خیار تفلیس، خیار تعذر تسلیم، قاعده غرر، بنای عقلا.

مقدمه

در فرضی که یکی از طرفین قرارداد یا هردو آنان از اجرای تعهدات حال شده خود سرباز زنند، در نظام‌های مختلف حقوقی برای حفظ حقوق طرف متضرر، تمهیداتی نظیر الزام به اجرای عین تعهدات، انحلال یا تعلیق قرارداد اندیشیده شده است. اما آیا پیش از فرارسیدن زمان اجرای تعهدات هم می‌توان به دلیل پیش بینی عدم انجام تعهد قرارداد را فسخ کرد؟

^۱ گروه حقوق الهیات و معارف اسلامی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران phd.r.ghasemi@gmail.com
^۲ گروه حقوق الهیات و معارف اسلامی واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران. (نویسنده مسئول)
h110mahdavi@gmail.com

شاید در ابتدا، سخن از فسخ قرارداد قبل از موعد اجرای تعهدات عجیب و برخلاف اصل مسلم لزوم قراردادهای به نظر آید؛ اما با کمی تامل روشن می شود که تحقق حق فسخ مخالف اصول و قواعد مسلم حقوقی نیست. در بخش اول مقاله به بررسی شرایط و ضمانت اجرای پیش بینی نقض قرارداد در مقررات اصول قراردادهای تجاری بین المللی پرداخته شده است. سپس در بخش دوم از جایگاه موضوع مورد بحث در حقوق داخلی ایران سخن به میان آمده است.

۱- مفهوم پیش بینی نقض قرارداد

نظریه پیش بینی نقض قرارداد از حقوق انگلستان و کامن لا سرچشمه گرفته است. (Saidov, 2006, 4) و بعد از آن در اسناد مختلف بین المللی از آن استفاده شده است. مفهوم این نظریه این است که هرگاه قبل از موعد اجرای تعهد طرف مقابل اعلام کند که در موعد مقرر به تعهدات خود عمل نخواهد کرد، یا نشانه های عدم توانایی یا عدم تمایل متعهد به اجرای قرارداد آشکار شود در صورتی که این عدم تمایل یا عدم آمادگی اساسی باشد نقض قرارداد قابل پیش بینی است. (Treitel, 1984 p 285)

نقض احتمالی مانند نقض واقعی به شرط اساسی بودن می تواند به فوریت باعث فسخ شود. اگر احتمال نقض اساسی قرارداد مبتنی بر قرائن معقول باشد، تشریفات اعمال فسخ در اصول قراردادهای تجاری بین المللی آسان تر از کنوانسیون بیع بین المللی کالا است. بر اساس بندهای ۲ و ۳ ماده ۷۲ کنوانسیون بیع بین المللی کالا طرفی که قصد اعلام فسخ دارد، در صورتی که وقت اقتضا کند مکلف است اخطار متعارفی به طرف دیگر بدهد. ^۱ حال آن که طبق ماده ۳-۳- اصول رعایت چنین تشریفات لازم نیست. (Eiselen, 2002, 2)

نقض احتمالی قرارداد به دو صورت صریح و ضمنی محقق می شود. زمانی که متعهد اعلام می کند تعهد قراردادی خود را انجام نخواهد داد. نقض صریح است اما به عنوان مثال هرگاه فردی تعهد کند که کالای معینی را در آینده بفروشد ولی قبل از تاریخ معین آن را به دیگری بفروشد نقض ضمنی صورت گرفته است. (Cheshire & Fifoot & Furmston, 1991, p109)

۲- مبانی نظریه پیش بینی نقض قرارداد در حقوق خارجی

در این قسمت به مبانی و چرایی شکل گیری نظریه پیش بینی نقض قرارداد در حقوق

^۱ بند ۲ ماده ۷۲ کنوانسیون بیع بین المللی کالا مقرر می دارد: ((طرفی که قصد اعلام بطلان دارد چنانچه وقت اقتضا کند مکلف است اخطار متعارفی به طرف دیگر بدهد تا برای او این امکان فراهم شود که اطمینان کافی جهت ایفای تعهدش بدهد))

خارجی و اسناد بین المللی اشاره می‌کنیم.

۲-۱- شرط ضمنی

در هنگام انعقاد قرارداد دو طرف به صورت صریح متعهد می‌شوند که در موعد مقرر به تعهدات خویش عمل کنند و به صورت ضمنی متعهد می‌شوند که قبل از فرا رسیدن موعد اجرای تعهد اقدامی که با قرارداد منافات دارد انجام ندهند. طرفین بر اساس این شرط ضمنی حق دارند که به انجام تعهد در موعد مقرر اطمینان حاصل کنند و نباید تا رسیدن موعد اقدامی انجام دهند که اطمینان طرف مقابل سلب شود. در حقیقت ما می‌توانیم برای متعهد له حقی را ایجاد کنیم. آن حق اعتماد به اجرای آتی قرارداد است. (موسسه بین‌المللی یکنواخت کردن حقوق خصوصی، ۱۳۹۳: ۳۳۲)

۲-۲- ارزش اقتصادی

اطمینان به انجام تعهدات طرف مقابل در عرف تجاری دارای ارزش بالفعل است. به‌عنوان مثال در قراردادهایی که برای تحصیل اعتبار است یا در واگذاری حقوق تضمین، اجرای قرارداد در آینده برای طرفین از اهمیت بالایی برخوردار است. احتمال نقض قرارداد از سوی طرف مقابل ریسک قرارداد را بالا می‌برد، و بالا رفتن ریسک قرارداد معادل کاهش قیمت فعلی کالا است. (Saidov, 2006, 790)

پذیرش حق فسخ ناشی از نقض قابل پیش بینی، می‌تواند کارایی اقتصادی قرارداد را به حداکثر برساند. در حقیقت، فسخ قرارداد پیش از موعد اجرای تعهد به دلیل پیش‌بینی نقض، زیان‌دیده را از ضرری قطعی در آینده‌رهای بخشیده و در نتیجه او را در موقعیت بهتری قرار می‌دهد، بی‌آن‌که طرف دیگر را در موقعیت بدتری رها کند.

۲-۳- تعادل قراردادی

یکی از اهداف نظریه پیش‌بینی نقض قرارداد حفظ تعادل بین منافع طرفین قرارداد است. استفاده از حق فسخ یا تعلیق قرارداد عامل مهمی در جهت تعادل قراردادی است. به‌عنوان مثال در مواردی که نقض قرارداد پیش‌بینی می‌شود از یک طرف نشانه‌ها حاکی از عدم انجام تعهد در موعد مقرر است و از طرف دیگر متعهدله حق دارد در این مدت قرارداد را تعلیق و از

متعهد تضمین بخواهد و در صورت عدم ارایه تضمین قرارداد را فسخ کند. تعادل قراردادی دقیقاً به همین معنا است.

۲-۴- عرف

ماده ۹-۱ مقررات اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی صراحتاً عرف را به عنوان منبعی برای حقوق و تکالیف طرفین قرارداد به رسمیت شناخته است. نظریه نقض احتمالی در قالب عرف توافق شده یا عرف قابل قبول مطرح می‌شود. شناسایی این عرف تجاری در برخی از آرا و مجموعه‌هایی که رویه‌های تجاری را جمع‌آوری می‌کنند حکایت از وجود آن به خصوص در حوزه تجارت بین‌الملل دارد. عرف و عادت تجاری بر وجود حق انحلال برای طرف قرارداد در صورت نقض احتمالی دلالت می‌نماید چرا که تضمین انجام معامله در موعد مقرر، وجود امنیت قراردادی و اعتماد به طرف مقابل از نظر عرف بازرگانان بسیار مهم و اساسی است.

۲-۵- اصل حسن نیت

اصل حسن نیت که در بسیاری از اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی از جمله ماده ۷-۱ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی و بند ۱ ماده ۷ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا و حقوق بسیاری از کشورها پذیرفته شده است ایجاب می‌کند که متعاملین به طور کامل و صحیح به اجرای تعهدات قراردادی خود بپردازند لذا اگر یکی از طرفین قرارداد اعلام کند تکالیف خود را انجام نخواهد داد، بر خلاف این اصل عمل کرده است. اعم از این که موعد اجرای تعهداتش فرارسیده باشد یا خیر. علاوه بر این طرفی که اجرای تکالیف قراردادی وی در موعد مقرر مورد تردید جدی است، تا زمانی که نسبت به انجام آن ایجاد اطمینان نکرده است، درخواست اجرای تکالیف طرف دیگر خلاف حسن نیت است.

در مواد مختلف اصول به صورت مکرر به اصل حسن نیت ارجاع شده است.^۱ این حکایت از اهمیت اصل حسن نیت دارد. وظیفه طرفین برای رفتار بر طبق اصل حسن نیت و معامله منصفانه از چنان ماهیت بنیادی برخوردار است که طرفین نمی‌توانند بر طبق قرارداد آن را استثنا و محدود کنند. (موسسه بین‌المللی یکنواخت کردن حقوق خصوصی، ۱۳۹۳: ۳۳۲)

^۱ ماده ۷-۱ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی مقرر می‌دارد: ((در تجارت بین‌المللی هر طرف قرارداد باید مطابق با حسن نیت و معامله منصفانه عمل کند))

۳- شرایط اعمال نظریه پیش بینی نقض قرارداد

۳-۱- اساسی بودن نقض

پیش بینی نقض قرارداد در صورتی به طرف مقابل حق فسخ قرارداد را می دهد که به صورت عمد و اساسی باشد. این مطلب صراحتاً در مواد ۳-۳-۷ اصول قراردادهای تجاری بین المللی و ماده ۷۲ کنوانسیون بیع بین المللی کالا ذکر شده است. بدیهی است که عدم اجراهای جزئی که حتی احتمال وقوع آن ها یقینی است، نمی توانند اصل لزوم را کنار زده و به ایجاد حق انحلال پیش از موعد منتهی شود. (غفاری فارسانی، ۱۳۸۸، ۲۵۵-۲۳۳)

برای این که بدانیم معیار نقضی اساسی چیست باید به موارد فهرست شده در ماده ۱-۳-۷ اصول مراجعه کنیم. بر خلاف اصول قرارداد های تجاری بین المللی در ماده ۲۵ کنوانسیون بیع صرفاً به تعریف نقض اساسی اکتفا شده و موارد آن مشخص نشده است^۱. به طور کلی نقض اساسی قرارداد در نتیجه اعمال و گفتار طرف مقابل حاصل می شود که حکایت از عدم تمایل یا عدم توانایی وی در اجرای قرارداد دارد همچنین برخی عوامل خارجی مانند تخریب کارخانه فروشنده یا اعمال تحریم یا محدودیت های پولی فصلی و غیره موجب نقض اساسی می گردد. لازم به ذکر است به منظور حداقل رساندن احتمال سوءاستفاده از حقوق و حفظ تعادل بین منافع طرفین باید پذیرفت که نقض اساسی تعهدات از دیدگاه یک فرد متعارف و معقول تفسیر می شود. (Saidov, 2006, 6)

۳-۲- آمادگی فرد بی تقصیر برای انجام تعهدات خویش

در متون کامن لا گفته شده است که فردی حق فسخ قرارداد را به دلیل پیش بینی نقض قرارداد دارد که در زمان فسخ قرارداد آمادگی لازم جهت انجام تعهدات خویش را داشته باشد. مبنای اصلی این شرط به اصل انصاف و عدالت بر می گردد. این عادلانه نیست فردی که به تعهدات خویش عمل نکرده است دارای حق فسخ به دلیل پیش بینی نقض تعهدات طرف مقابل باشد (همان، ۷)

^۱ - ماده ۲۵ کنوانسیون نقض اساسی را این گونه تعریف می کند ((نقض قرارداد هنگامی نقض اساسی محسوب می شود که منجر به ورود چنان خسارتی به طرف دیگر گردد که او را از آن چه استحقاق انتظار آن را به موجب قرارداد داشته است اساساً محروم کند))

۳-۳- ارسال اخطار متعارف

فسخ قرارداد بدون اعلان قبلی سبب خواهد شد که طرف دیگر کماکان انتظار اجرای قرارداد را داشته باشد. لذا طبق بند ۲ ماده ۷۳ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا: "اگر زمان کافی وجود داشته باشد اخطار قبلی مبنی بر فسخ قرارداد ضروری است. اهمیت و فایده ارسال اخطاریه در این است که طرف مقابل در پی اخطاریه تضمین کافی دهد و به همین سبب مانع فسخ و به هم خوردن قرارداد شود. همچنین ممکن است تصورات متعهد له در مورد عدم اجرای تعهد در آینده صحیح نبوده و نوعی بد بینی و سوء تفاهم باشد به همین دلیل ارسال اخطاریه و پاسخ طرف مقابل می تواند سهم بسزایی در رفع این سوء تفاهم داشته باشد. طبق بند ۳ ماده ۷۲ هرگاه یکی از طرفین صراحتاً اعلام کند که قرارداد را در سررسید اجرا نخواهد کرد نیازی به ارسال اخطار نیست. همچنین از مفهوم مخالف بند ۲ استنباط می‌شود که در صورت فقدان فرصت کافی الزامی به ارسال اخطاریه وجود ندارد. اما برخلاف کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا بر اساس ماده ۳-۳-۷ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی نیازی به ارسال اخطار قبلی نیست. البته مایه تاسف است که در مقررات اصول به این شرط اشاره نشده است. زیرا وجود شرط اطلاع رسانی امکان سوء استفاده متعهد له را کاهش می دهد. همچنین وجود چنین شرطی به برقراری توازن میان طرفین منتهی می‌شود و به ارتقاء سطح ارتباطات و همکاری طرفین کمک می‌کند. (همان، ۱۱)

۳-۴- عارض شدن علل مبنای نقض احتمالی

این سوال مطرح می شود که آیا لازم است پیش بینی نقض قرارداد بعد از عقد حاصل شود؟ برای پاسخ به این سوال سه صورت را باید از هم تفکیک کرد.

الف: از ابتدا و قبل از عقد عدم انجام قرارداد قابل پیش‌بینی است با این وجود طلب کار همچنان مایل به انعقاد قرارداد است. بدیهی است که در این فرض امکان استناد به نقض احتمالی وجود ندارد. (AUDIT, 1990, 155)

ب: متعهدله امید به انجام تعهد داشته است اما هر انسان متعارفی نقض قرارداد را پیش بینی می کرده است. در این فرض نیز شارحین کنوانسیون بیع بین‌المللی به عدم جواز تمسک به تضمین از سوی متعهد اعتقاد دارند.

ج: عدم انجام تعهد در حین عقد قابل پیش بینی نبوده است در این حالت امکان مطالبه تضمین برای طلب کار وجود دارد. (Honnold, 1991, 488)

۳-۵- آشکار بودن نقض قرارداد

شرط دیگر اعمال دکترین پیش‌بینی نقض قرارداد همانگونه که در ماده ۳-۳-۷ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی و ماده ۷۲ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا استفاده می‌شود این است که قبل از رسیدن تاریخ اجرا نقض قرارداد آشکار و معلوم باشد.

مقررات اصول و کنوانسیون در خصوص این که چه امری نقض روشن قرارداد است، متفاوت است. در ماده ۷۱ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا برای تشخیص نقض آشکار معیار نوعی ارایه می‌دهد و مقرر می‌دارد نقصان فاحش در توانایی متعهد در انجام تعهد یا در اعتبار او و همچنین نحوه رفتار او در تمهید مقدمه اجرای قرارداد یا اجرای قرارداد از موارد نقض آشکار محسوب می‌شود. اما در ماده ۷۲ کنوانسیون و در مقررات اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی معیاری جهت تشخیص نقض آشکار ارایه نشده است. بدیهی است که هر احتمال نقضی در آینده نمی‌تواند مجوز انحلال قرارداد به حساب آید و این امر برخلاف اصل لزوم عقد است. پس استثنائی بودن حق انحلال عقد ایجاب می‌کند که این حق قلمرویی مضیق یابد. از این رو در اصول و کنوانسیون تنها در مواردی که عدم اجرای تعهدات از سوی یکی از طرفین آشکار و روشن باشد حق انحلال به وجود خواهد آمد.

وضوح نقض در مواردی که عدم اجرا در سررسید یقینی باشد محرز است. اما در این که آیا ظن قوی نیز در ایجاد این حق کافی است یا خیر ممکن است تردیدهایی به وجود آید. برخی از مفسرین معتقدند معیار اطمینان یک انسان متعارف و معقول است. (Schlechtriem, 1986, 96) از نمونه‌های بارز وضوح نقض در آینده جایی است که متعهد صراحتاً اعلام می‌کند که قصد اجرای تعهداتش را در سررسید ندارد یا این که متعهد اساساً قرارداد را انکار کند یا فروشنده کالاهای موضوع قرارداد را به فرد ثالث منتقل کند یا ممنوعیت قانونی برای معامله پیش آید. (Kazimierska, 1992-2000, 97)

۴- بررسی نهاد های حق فسخ مشابه در حقوق ایران

در حقوق ایران برخی از نهاد های فسخ شباهت زیادی به نظریه پیش‌بینی نقض قرارداد دارد. به همین دلیل برخی از حقوق دانان معتقدند نظریه پیش‌بینی نقض قرارداد در حقوق داخلی نیز وجود دارد. در این قسمت به بررسی خیارهای تفلیس و تعدر تسلیم پرداخته شده است و میزان مشابهت آن با نظریه پیش‌بینی نقض قرارداد مورد بررسی قرار گرفته است.

۴-۱- خیار تفلیس

یکی از موضوعاتی که می‌تواند مصداق نظریه پیش‌بینی نقض باشد خیار تفلیس است. خیار تفلیس در ماده ۳۸۰ از قانون مدنی پیش‌بینی شده است^۱ و از فقه به قانون آمده است. شهید اول در لمعه خیار تفلیس را در شمار سایر خیارات ذکر می‌کند (عاملی، ۱۴۱۱، ۱۰۹). برخی از نویسندگان حقوق مدنی برخلاف نظر مشهور ماده ۳۸۰ را در مقام بیان صورت خاصی از حق حبس می‌دانند. (عدل، ۱۳۷۳، ۲۳۱) این دیدگاه بین حقوق دانان معاصر نیز وجود دارد. (صقری، ۱۳۷۶، ۲۵۹) در مقابل برخی از حقوقدانان معتقدند ظاهر ماده ۳۸۰ دلالت بر فسخ معامله دارد نه صرفاً استفاده از حق حبس. (شهیدی، ۱۳۸۲، ۱۵۶) برای این که خیار تفلیس مصداقی از نظریه پیش‌بینی نقض قرارداد باشد باید ببینیم آیا ورشکستگی تاجر قبل از رسیدن موعد اجرای قرارداد نیز مجوز فسخ قرارداد می‌باشد یا خیر. چنان چه خیار تفلیس را شامل قبل از رسیدن موعد تعهد بدانیم. می‌توان آن را به‌عنوان مصداق نظریه قبول کرد. اما بررسی کتب حقوقی بیانگر این است که خیار تفلیس در صورتی قابل اجراء است که موعد پرداخت ثمن رسیده و به واسطه افلاس، تأدیه ممکن نباشد (امامی، ۱۳۷۵، ۵۲۸). اما در مورد ورشکستگی به استناد ماده ۴۲۱ قانون تجارت با ورشکستگی مدیون دین او حال می‌شود.^۲

از این روی نمی‌توان گفت ورشکستگی روشن میکند که یک طرف در آینده مرتکب نقض اساسی خواهد شد و به همین دلیل طرف مقابل حق فسخ قرارداد را دارد بلکه ورشکستگی موجب می‌شود که ثمن حال شود. با این تفسیر از خیار تفلیس نمی‌توان آن را مصداقی از نظریه پیش‌بینی نقض قرارداد دانست.

۴-۲- خیار تعدر تسلیم

از دیگر مواردی که در حقوق داخلی قابل مقایسه با نظریه پیش‌بینی نقض قرارداد است و

۱ - ماده ۳۸۰ قانون مدنی مقرر می‌دارد: ((در صورتی که مشتری مفلس شود وعین مبیع در نزد او موجود باشد با بایع حق استرداد آن را دارد و اگر مبیع هنوز تسلیم نشده باشد می‌تواند از تسلیم آن امتناع کند))

۲ - ماده ۵۲۳ قانون تجارت مقرر می‌دارد: ((هرگاه کسی مال التجاره به تاجر ورشکسته فروخته است ولیکن هنوز آن جنس نه به خود تاجر ورشکسته تسلیم شده و نه به کسی که به حساب او بیاورد آن کس می‌تواند به اندازه‌ای که وجه آن را نگرفته از تسلیم مال التجاره امتناع کند))

۳ - ماده ۴۲۱ قانون تجارت مقرر می‌دارد: «همین که حکم ورشکستگی صادر شد قروض مؤجل با رعایت تخفیفات مقتضیه نسبت به مدت به قروض حال مبدل می‌شود»

ضمانت اجرای فسخ در آن پیش بینی شده است خیار تعذر تسلیم است. قانون مدنی از خیار تعذر تسلیم به صراحت سخن نگفته، لیکن علاوه بر منابع فقهی می‌توان در این خصوص به مواد ۲۳۹، ۲۴۰، ۳۸۰، ۴۷۶ و ۵۳۴ قانون مدنی استناد کرد.^۱

سوال این است که چنانچه در بیع موجد قبل از فرارسیدن موعد تعهد تعذر تسلیم آشکار شود آیا متعهد له خیار تعذر تسلیم دارد. چنانچه پاسخ مثبت باشد خیار تعذر تسلیم منطبق با نظریه پیش‌بینی نقض قرارداد است.

در مورد پذیرش خیار تعذر تسلیم قبل از فرارسیدن موعد قرارداد دو دیدگاه وجود دارد. نظر اول این است که قبل از فرارسیدن اجل قرارداد امکان فسخ وجود ندارد زیرا هنوز مقتضی خیار ایجاد نشده و استحقاق مطالبه به وجود نیامده است (حلی، ۱۴۰۴، ج ۲، ۱۴۱) (خمینی، ۱۴۲۵، ۴۴۱) اما دیدگاه دوم معتقد است به دلیل علم به وجود علت خیار امکان فسخ قرارداد پیش از حلول اجل وجود دارد (حلی، ۱۴۰۴، ج ۲، ۱۴۱)

نگارنده معتقد است که دیدگاه دوم از استدلال قوی‌تری برخوردار است. اساساً با انعقاد قرارداد و علم به تعذر تسلیم خیار فسخ محقق است و عدم حلول اجل مانع از اجرای حق فسخ نمی‌شود. طبق این دیدگاه خیار تعذر تسلیم با نظریه پیش‌بینی نقض قرارداد منطبق می‌گردد.

۵- بررسی موانع پذیرش حق فسخ در حقوق ایران

به دلیل مخالفت ظاهری نظریه پیش‌بینی نقض قرارداد با برخی از اصول حاکم بر قراردادها مثل اصل لزوم قراردادها، عده‌ای با این نظریه مخالفت کرده‌اند. این گروه برای اثبات ادعای خود دلایلی ارائه کرده‌اند که به شرح ذیل به بررسی آن می‌پردازیم.

^۱ ماده ۲۳۹ از قانون مدنی می‌گوید: ((هرگاه اجبار مشروط علیه برای انجام فعل مشروط ممکن نباشد و فعل مشروط هم از جمله اعمالی نباشد که دیگری بتواند از جانب او واقع سازد طرف مقابل حق فسخ معامله را خواهد داشت. ماده ۲۴۰ قانون مدنی نیز می‌گوید: ((اگر بعد از عقد انجام شرط ممتنع شود یا معلوم شود که حین العقد ممتنع بوده است کسی که شرط بر نفع او شده است اختیار فسخ معامله را خواهد داشت مگر اینکه امتناع مستند به فعل مشروط له باشد. ماده ۴۷۶ قانون مدنی می‌گوید ((موجر باید عین مستاجر را تسلیم مستاجر کند و در صورت امتناع موجر اجبار می‌شود و در صورت تعذر اجبار مستاجر خیار فسخ دارد)).

ماده ۵۳۴ از قانون مدنی نیز می‌گوید: ((هرگاه عامل در اثناء یا در ابتدا عمل آن را ترک کند و کسی نباشد که عمل را بجای او انجام دهد حاکم به تقاضای مزارع عامل را اجبار به انجام می‌کند و یا عمل را بخرج عامل ادامه می‌دهد در صورت عدم امکان مزارع حق فسخ دارد.

۱-۵- اصل لزوم

معنی اصل لزوم این است که هیچ یک از طرفین نمی‌توانند بدون تراضی یا مجوز قانونی قرارداد را منحل کنند (شهیدی، ۱۳۷۵، ۶۱). برخی وجود اصل لزوم را یکی از موانع پذیرش حق فسخ در پیش‌بینی نقض قرارداد می‌دانند و می‌گویند: «پیش‌بینی نقض احتمالی قرارداد به یک طرف امکان می‌دهد قرارداد را به صورت یک‌جانبه منحل سازد در حالی که ناتوانی در اجرای تعهدات محرز و مسلم نبوده و نقض واقعی قرارداد، صورت نگرفته است» (همت‌کار، ۱۳۸۴، ۷۹). نگارنده معتقد است اولاً: اگر به دلایلی وجود حق فسخ در قرارداد اثبات شود، وجود خیار با اصل لزوم منافات ندارد. زیرا عقد خیاری نیز به نوبه خود لازم الوفاء و لازم الاتباع است. ثانیاً: لزوم عقد، قاعده‌ای شکننده است. چنانچه اصل لزوم با قاعده لاضرر تعارض داشته باشد اصل لزوم جاری نمی‌شود. (امینی، مافی، اعظمی، ۱۳۹۰، ۵۰) در قسمت بررسی مبانی نظریه به نقش قاعده لاضرر پرداخته شده است از این روی از تکرار آن خودداری می‌شود.

۲-۵- فرار رسیدن موعد

در حقوق ایران متعهد در صورتی می‌تواند از ضمانت اجرای عدم انجام تعهد قراردادی استفاده کند، که یا برای ایفاء تعهد مدت معینی مشخص گردیده و آن مدت منقضی شده و متعهد به تعهد خود عمل نکرده باشد و یا این که اگر برای ایفاء تعهد مدتی مشخص نشده متعهدله انجام تعهد را مطالبه کرده باشد مشروط بر این که تعیین زمان انجام تعهد در اختیار متعهد له باشد و متعهد به تعهد خود عمل ننماید. در واقع عنصر زمان اجرای تعهد در حقوق ایران از اهمیت برخوردار است و بدون فرار رسیدن آن، تقاضای خسارت و یا فسخ قرارداد به علت پیش‌بینی نقض احتمالی طرف مقابل وجهه‌ی قانونی ندارد. (صفایی و دیگران، ۱۳۸۴، ۳۵۱) در نقد این دیدگاه باید گفت قاعده‌ای که براساس آن تا زمان فرار رسیدن موعد باید منتظر اجرای تعهد ماند مبتنی بر مورد غالب بوده و شامل موارد خاصی که بطور متعارف و معقول قبل از فرار رسیدن موعد عدم امکان اجرای تعهد مشخص گردد نمی‌شود. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱، ۱۲۹)

۳-۵- تاسیسی بودن خیرات موجود در فقه

یکی از ایراداتی که ممکن است به نظریه پیش‌بینی نقض قرارداد وارد سازند عدم وجود سابقه فقهی است. در پاسخ به این ایراد باید گفت شارع در مورد خیرات حکم تاسیسی ندارد و احکام شارع در معاملات امضایی است. (خمینی، ۱۴۲۰، ۳۰/۳۱۲)

یکی از فقهای معاصر در بیان ارشادی بودن حکم شارع در خیارات می‌نویسد: ((همه خیارات موجود در فقه منصوص نیست‌اند. به عنوان مثال خیار غبن و خیار تبعض صفقه و آنچه مشابه به آن است خیارات شرعی و تعیین شده توسط شارع نیست‌اند. این خیارات ناشی از ارتکازات عقلایی است. بعلاوه معاملات امور عرفی و عقلایی هستند. نقش شارع در معاملات امضایی و ارشادی است. (سبحانی، ۱۴۲۳، ۹) بنابراین ایراد توقیفی بودن خیارات قابل پذیرش نیست.

۶- مبانی حق فسخ ناشی از پیش بینی نقض قرارداد

از بررسی خیار تعذر تسلیم و خیار تفلیس به این نتیجه رسیدیم که مشهور فقها تحقق خیار فسخ را قبل از حلول اجل قرارداد نپذیرفته‌اند. همچنین نص صریحی بر پذیرش خیار فسخ قبل از حلول اجل وجود ندارد. از این رو می‌توان گفت و وضعیت حاضر مصداقی از نظریه پیش بینی نقض قرارداد در حقوق ایران وجود ندارد. به همین دلیل ناگزیر هستیم جهت بررسی موضوع به مبانی و قواعد بنیادین مراجعه کنیم تا در یابیم اقتضای اصول و قواعد در این خصوص چیست. در ادامه به بررسی مبانی و اصول پرداخته‌ایم.

۱-۶- نظریه عدالت معاوضی

رعایت برابری در حقوق قراردادی طرفین عقد معاوضی، اقتضای این دارد که حقوق طرفین قرارداد مانند دو کفه ترازو با هم برابری نمایند، این برابری را عدالت معاوضی می‌نامند. هرگاه تعادل حقوق قراردادی مخدوش گردد نظریه عدالت معاوضی اقتضاء می‌نماید تا به وسیله اصول معتبر حقوقی جبران گردد. وجود تمام خیارات را می‌توان با نظریه عدالت معاوضی توجیه کرد؛ (خندانی، خاکباز، ۱۳۹۲، ۱۰) مثلاً به عقیده برخی از اساتید، یکی از مبانی قوی خیار تعذر تسلیم، عدالت معاوضی است. حتی به عقیده برخی استادان، شرط سقوط خیار تعذر تسلیم، موازنه را مخدوش و مخالف مقتضای ذات بیع و از شروط مفسد عقد است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱، ۲۰).

نظریه عدالت معاوضی در توجیه خیار فسخ ناشی از پیش بینی نقض قرار داد، نقش مهمی ایفا می‌کند. قصد و اراده طرفین در عقود معوض دستیابی به عوضین است. هرگاه اجرای تعهد از سوی یکی از آنان پس از انعقاد عقد متعذر شود و یا از اوضاع و احوال برآید که به هنگام

فرارسیدن موعد، اجرای آن متعذر خواهد بود، اجرای تعهد دیگر برخلاف مقصود آنان خواهد بود.

پیش از این، تلقی رایج از نظریه همبستگی عوضین، بر این بود که خلاصی هریک از متعاقدين از تکالیف خود در فرضی قابل تصور است که ناتوانی اجرای تعهدات از سوی یکی از طرفین پس از حال شدن موعد انجام آنان به اثبات برسد؛ اما تفسیر موسع از این نظریه نقض احتمالی را هم در بر می گیرد. (غفاری فارسانی، ۱۳۸۸، ۲۳۳)

۲-۶- شرط ضمنی

اراده طرفین گاه به صورت صریح در قرارداد ذکر می شود و گاه به صورت ضمنی و در قالب شرط بنایی مطرح می شود. (کاتوزیان، ۱۳۹۱، ۱۱۹) بدین لحاظ شرط به شرط صریح و شرط ضمنی تقسیم می شود. گاه ملازمه میان شرط ضمنی و عقد ناشی از عرف و عادات قراردادی است، یعنی مفاد شرط چندان در قراردادی تکرار می شود و به گونه ای شیوع پیدا می کند که می توان آن را از لوازم معامله شمرد. (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ۱۲۴)

نقض زود هنگام قرارداد توسط متعهد، نقض یک تعهد بالفعل و به عبارتی نقض یک شرط ضمنی تلقی می شود. زمانی که متعهد اعلام می کند، یا به طریقی محرز می شود که او پایبند به قرارداد نیست، در همان لحظه قرارداد نقض شده و انتظار برای موعد اجرای تعهد، دیگر موضوعیتی ندارد. (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ۱۱۹) البته پذیرش چنین شرط ضمنی دشوار است زیرا طرفین در هنگام قرارداد صرفاً به مبادله کالا می اندیشند و کم تر به احتمال عهدشکنی توجه دارند.

۳-۶- قاعده وجوب دفع ضرر محتمل

قاعده وجوب دفع ضرر محتمل یکی از قواعد عقلی است که به موجب آن هرگاه انسان، احتمال ضرر در چیزی بدهد و یا عملی را موجب ضرر بداند به حکم عقل باید از آن اجتناب نماید تا از وقوع در ضرر و زیان محتمل، ایمن گردد، بر همین اساس چنانچه شخص به این احتمال اعتنا نکند و بر عمل مزبور اقدام نماید و نهایتاً دچار ضرر گردد، مورد مذمت عقلا واقع می شود لذا گفته می شود دفع ضرر محتمل واجب است. (خویی، ۱۴۱۷، ۲۱۵). (طباطبائی مجاهد، ۱۴۱۵، ۴۸۷)

مقصود از ضرر، زیان و خسارتی است که شخص در جسم، یا مال و موقعیت کسی که شرعا و قانونا شئون او محترم باشد وارد سازد. ضرر امری عرفی است و از این رو باید در هر مورد به عرف مراجعه کرد. (محمدی، ۱۳۸۲، ۱۶۷) همچنین منظور از کلمه محتمل در قاعده، ظنی می باشد که عقلا در مرادفات خود به آن اعتنا می کنند، (عراقی، ۱۴۰۵، ۱۴۳).

با توجه به بیان قاعده می گوئیم نظریه پیش بینی نقض قرارداد از مصادیق قاعده دفع ضرر محتمل است. وقتی متعهدله پیش از فرا رسیدن موعد تعهد به طور معقول و متعارف احتمال دهد که متعهد به هر دلیل نمی خواهد یا نمی تواند به تعهد خویش عمل کند قاعده دفع ضرر محتمل جاری می شود. مقتضای قاعده در این جا این است که متعهد با ید به این احتمال عقلایی ترتیب اثر دهد و هر گونه اقدامی برای جلوگیری از این ضرر محتمل انجام دهد. فسخ قرارداد یکی از مصادیق پیش گیری از وقوع ضرر است.

۶-۴- قاعده جلوگیری از خسارت

قاعده جلوگیری از خسارت یکی از قواعد مطروحه در حقوق مسؤولیت مدنی است. از مجموع آثار حقوقدانان در مورد این قاعده، بر می آید که این قاعده کاربرد دوگانه ای دارد. در یک معنا مقصود از این اصطلاح این است که در هنگام جبران خسارت، ممکن است اموری وجود داشته باشند که در بروز خسارت مؤثر بوده اند و بر این اساس عامل زیان می تواند به استناد آن امور از میزان غرامتی که ملزم به پرداخت است بکاهد. معنای دیگر این اصطلاح این است که هر گاه شخص در اثر تقصیر دیگری در معرض ورود ضرر قرار گیرد موظف است که در حد متعارف تلاش کند تا از ورود خسارت جلوگیری کند: (صفایی، ۱۳۷۸، ۲۷۸) در این معنا هر گاه در اثر خطای دیگری، شخصی در معرض تحمل ضرر قرار گیرد مکلف است در حد متعارف تلاش کند تا از بروز ضرر یا گسترش آن جلوگیری نماید و الا نسبت به زیان هایی که قابل پیش گیری بوده اند، حق مطالبه جبران خسارت را ندارد. (کاظمی، ۱۳۸۴، ۲۲۰)

این قاعده در حقوق ایران هم پذیرفته شده است مواد ۴۱۸، ۱۲۱۵ و ۱۱۰۸ قانون مدنی از مصادیق قاعده اقدام است و قاعده تسبیب نیز در مواد ۳۰۷ و ۳۳۱ به بعد قانون مدنی بیان شده است. بنابراین از آنجایی که مبنای این قاعده، در حقوق ایران وجود دارد می توان وجود این قاعده را در این نظام حقوقی ثابت کرد.

در بحث ما نیز از آنجا که منحل کردن عقد توسط متعهدله پس از روشن شدن عدم قدرت یا خواست متعهد علیه بر انجام تکالیف آینده اش، حاوی خسارات به مراتب کمتری برای وی در

مقایسه با منتظر ماندن تا فرارسیدن زمان انجام تعهدات و تخلف متعهد علیه است، وی مکلف به منحل نمودن قرارداد و انعقاد قرارداد جایگزین به منظور اجتناب از ضرر بیشتر است. در نتیجه تکلیف به تقلیل خسارت می‌تواند از دیگر مبانی قاعده نقض قابل پیش‌بینی و اعطای حق انحلال عقد به موجب آن باشد.

۶-۵- بنای عقلا

یکی دیگر از دلایل مهم فقهی که می‌توان بر اساس آن مفاد نظریه نقض قابل پیش‌بینی را توجیه نمود، بنای عقلا است.

بنای عقلاء به معنای روش و سلوک عملی خردمندان بر انجام عملی یا ترک عملی بدون دخالت و تأثیر عوامل زمانی، مکانی، نژادی، و دینی است. (مظفر، ۱۴۳۰) نظریه نقض قابل پیش‌بینی، از مدرکات عقل آدمی است و به همین جهت بنای عقلاء بر آن مستقر است؛ زیرا روشن است که عقل سلیم به انسانی که علم یا ظن قریب به یقین دارد در آینده نزدیک با خطری قطعی روبه‌رو می‌شود، اجازه نمی‌دهد به انتظار وقوع خطر بماند و پس از وقوع حادثه، آن را از خود رفع کند.

ممکن است ایراد شود بنای عقلا باید کاشف از قول معصوم باشد. در این صورت پذیرش نظریه نقض قابل پیش‌بینی در حقوق ایران و فقه دشوار است. زیرا واضح است که چنین سیره‌ای در زمان معصوم محقق نبوده یا حداقل معلوم نیست.

اما اگر مبنای حجیت بنای عقلا منطقه الفراغ یا کشف حکم عقل باشد لزوم معاصرت با معصوم در آن شرط نیست. همچنین اگر بنای عقلا زمینه ساز موضوع حکم شرعی باشد لزوم معاصرت در آن شرط نیست مثلاً چنانچه بنای عقلا در پیش‌بینی نقض قرارداد عقد را ضرری بدانند و موضوع قاعده لاضرر احراز شود یا شرط ضمنی فسخ قرارداد را به عنوان شرط ارتکازی نزد عقلا احراز کنند و موضوع قاعده المومنون عند شروطهم احراز گردد در این صورت عقد قابل فسخ است و این بنای عقلا جهت حجیت نیاز به اثبات معاصرت با معصوم ندارد. از تعبیر برخی از فقهای معاصر چنین برداشت می‌شود که در استناد به بنای عقلا جهت اثبات خیار نیاز به اثبات معاصرت سیره با عصر معصوم وجود ندارد. مرحوم امام می‌فرماید: ((صحت و لزوم در قراردادها از احکام عقلایی است و آن چه از شارع در این خصوص وارد شده است ارشاد به بنای عقلا است و تأیید و تنفیذ بنای عقلا است و تنفیذ به معنای ابقای حکم است)). (خمینی، ۱۴۲۱، ۴۸)

۶-۶- قاعده غرر

غرر در لغت به معنای خطر است. (جوهری، ۱۴۰۷، ۷۶۸). خطر معادل احتمال وقوع ضرری است که عقلا از آن اجتناب می‌کنند. منشا این احتمال ممکن است عدم اطمینان نسبت به وجود عوضین و مانند آن باشد و ممکن است عدم اطمینان نسبت به تسلیم یا قبض و اقباض مبیع باشد. (مراغی، ۱۴۱۶، ۳۱۴). قاعده غرر یکی از مبانی خیارات در حقوق اسلامی است. خیار تعذر تسلیم مبتنی بر قاعده غرر است. اگر مشتری به گمان این که بایع می‌تواند مبیع را تسلیم کند آن را بخرد ولی بعداً نتواند آن را تسلیم کند مشتری می‌تواند معامله را فسخ کند.

نگارنده معتقد است قاعده غرر می‌تواند مبنای نظریه پیش‌بینی نقض قرارداد باشد. در مواردی که بر اساس قراین و شواهد آشکار است که متعهد در سررسید تعهد خویش را انجام نمی‌دهد. و تسلیم مبیع مجهول است. از طرفی این جهل موجب خطر و نزاع می‌گردد؛ مساله موضوع قاعده غرر قرار می‌گیرد و می‌توان در این جا به قاعده غرر استناد کرد. اساساً مفهوم غرر مفهومی عرفی است. برخی فقها به عرفی بودن غرر تصریح کرده‌اند و می‌گویند: ((غرر آن احتمال خسارتی است که اگر عرف از آن خودداری نکنند بر آن کار توبیخ می‌شود)). (شهید اول، ۱۴۱۴، ۹۲) در مساله پیش‌بینی نقض قرارداد نیز زمانی که متعهد له بر اساس قراین معقول اطمینان کند که متعهد نمی‌تواند در وعده مقرر به تعهد خویش عمل کند. چنانچه پیشاپیش ثمن معامله را پرداخت کند. در این جا مورد مذمت عقلا قرار می‌گیرد. از این روی استناد به قاعده غرر در نظریه پیش‌بینی نقض قرارداد امکان‌پذیر است.

نتیجه

در اصول قراردادهای تجاری بین المللی و کنوانسیون بیع بین المللی کالا پیش‌بینی نقض قرارداد در صورتی به طرف مقابل حق فسخ قرارداد را می‌دهد که اساسی، آشکار و روشن باشد. همچنین طرف مقابل نیز باید آمادگی انجام تعهد را داشته باشد. در غیر این صورت امکان فسخ قرارداد وجود ندارد. در حقوق ایران پیش‌بینی نقض قرارداد هیچ‌گاه به عنوان سبب فسخ قرارداد شناسایی نشده است. با این وجود برخی از مصادیق نظریه مانند خیار تفلیس و خیار تعذر تسلیم موجب شده برخی از حقوقدانان معتقد به وجود نظریه در حقوق داخلی شوند. اما اشکال اصلی این است که خیار تفلیس و خیار تعذر تسلیم پس از فرا رسیدن موعد تعهد اعمال می‌شود. نگارنده معتقد است حتی قبل از فرارسیدن موعد انجام تعهد نیز به لحاظ وجود مبنای

خیار می‌توان قایل به حق فسخ شد. از این رو پیشنهاد می‌گردد دکترین حقوقی اصل تحقق خیار پس از فرارسیدن موعد تعهد را مورد بررسی دقیق قرار دهد تا زمینه مناسبی جهت اصلاح قانون فراهم گردد.

به عقیده نگارنده پذیرش نظریه در حقوق ایران با مبانی بنیادین منافات ندارد بلکه از مبانی بنیادین نیز قابل استخراج است. لزوم توجه به عرف و نیازهای تجارت و تجارت بین‌الملل و لزوم تقویت اصل همبستگی عوضین و قاعده دفع ضرر محتمل و قاعده غرر در مواردی که تسلیم مبیع در آینده مجهول است توجیه‌کننده حق فسخ قرارداد در صورت پیش‌بینی نقض آن است.

پیشنهاد می‌گردد خیار موجود در قانون مدنی مورد بازنگری قرار گیرد برخی از خیارها مانند خیار مجلس و خیار حیوان کاربرد چندانی در معاملات ندارند. از طرفی تجار و بازرگانان تمایل زیادی جهت فسخ قرارداد در صورت پیش‌بینی نقض قرارداد دارند که ایجاب می‌کند قواعد ناظر بر فسخ قرارداد هم پای عرف تغییر کند. ارشادی بودن نصوص شرعی ناظر به فسخ قرارداد و نقش اساسی بنای عقلا در تشخیص اسباب خیار می‌تواند زمینه‌ساز پذیرش نهادهای فسخ جدیدی در حقوق داخلی گردد.

منابع:

کتاب

- ۱- امامی، سید حسن، «حقوق مدنی»، ج ۱ و ۲، کتابفروشی اسلامیة، چاپ شانزدهم، ۱۳۷۵
- ۲- امام، فرهاد، «اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی ۲۰۱۰»، ترجمه بهروز اخلاقی، شهردانش، ۱۳۹۳
- ۳- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، «تئوری موازنه»، انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۱
- ۴- جوهری، اسماعیل، «صحاح»، ج ۲، دارالعلم للملایین، چاپ چهارم، ۱۴۰۷
- ۵- حلی، مقداد بن عبد الله، التنقیح الرائع لمختصر الشرائع، ۴ جلد، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی - ره، قم - ایران، اول، ۱۴۰۴ هـ ق
- ۶- خمینی، روح الله موسوی، «الرسائل العشرة»، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۲۰
- ۷- خمینی، روح الله، «تحریر الوسيلة»، ترجمه علی اسلامی، ۴ جلد، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ ۲۱، ۱۴۲۵

- ۸- خمینی، روح الله، «کتاب البیع»، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۲۱
- ۹- خویی، سید ابوالقاسم، «مصباح الأصول» تقریر: سیدمحمد سرور واعظ حسینی، انتشارات داوری، ۱۴۱۷
- ۱۰- سبحانی، جعفر، «داراسات موجزه فی الخيارات و الشرط»، مرکز عالمی للدراسات الاسلامیه، چاپ اول، ۱۴۲۳
- ۱۱- شهیدی، مهدی، «حقوق مدنی، آثار و قراردادهای و تعهدات»، انتشارات مجد، ۱۳۸۲
- ۱۲- صفایی، سید حسین و دیگران، «حقوق بیع بین المللی با مطالعه تطبیقی»، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۴
- ۱۳- صفایی، سید حسین، «درآمدی بر حقوق تطبیقی و دو نظام بزرگ حقوقی معاصر»، نشر دادگستر، ۱۳۷۸
- ۱۴- صقری، محمد، «حقوق بازرگان (ورشکستگی)»، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۶.
- ۱۵- طباطبائی مجاهد، سیدمحمد، «مفاتیح الأصول»، موسسه آل البيت (ع)، ۱۴۱۵
- ۱۶- عاملی، شهید اول، محمد بن مکی، «اللمعه دمشقیه»، منشورات دارالفکر، ۱۴۱۱
- ۱۷- عدل، مصطفی، «حقوق مدنی»، بحر العلوم، ۱۳۷۳
- ۱۸- عراقی، شیخ آقا ضیاء، «نهایه الأفكار»، تقریر: محمدتقی بروجردی، چاپ اول، موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۵
- ۱۹- کاتوزیان، ناصر، «نظریه عمومی تعهدات»، موسسه نشر یلدا، ۱۳۷۴
- ۲۰- کاتوزیان، ناصر، «قواعد عمومی قراردادهای»، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۱
- ۲۱- محقق داماد، سید مصطفی، «نظریه عمومی شروط و التزامات در حقوق اسلامی»، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۸۸
- ۲۲- محقق داماد، مصطفی، «قواعد فقه بخش مدنی»، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۸۹
- ۲۳- محمدی، ابوالحسن، «قواعد فقه»، نشر میزان، ۱۳۸۷
- ۲۴- مظفر، محمد رضا، «اصول الفقه»، انتشارات اسماعیلیان، ۱۴۳۰
- ۲۵- مراغی، میر عبد الفتاح، «العناوین الفقہیہ»، ج ۲، انتشارات اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۷.

- ۱- امینی، منصور، همایون مافی و حسین اعظمی چهار برخ، «بررسی حق فسخ ناشی از پیش‌بینی نقض قرارداد در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا و حقوق»، **مجله مطالعات حقوقی**، شماره ۴، ۱۳۹۰.
- ۲- خندانی، پدram و محمد خاکباز، «تفسیر نظریه عدالت معاوضی در قلمرو قراردادها پدیدآورده‌ها»، **مطالعات فقه و حقوق اسلامی**، شماره ۸، ۱۳۹۲.
- ۳- غفاری فارسانی، بهنام، «اثر نقض قابل پیش‌بینی در روابط قراردادی»، **مجله حقوق**، شماره ۲، ۱۳۸۸.
- ۴- کاظمی، محمود، و مرضیه ربیعی، «نقض احتمالی قرارداد در حقوق ایران با نگاهی به کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا (۱۹۸۰) و نظام‌های حقوقی خارجی»، **دانش حقوق مدنی**، شماره ۱، ۱۳۹۱.
- ۵- همت‌کار، حسین، «نظریه مقابله با نقض احتمالی قرارداد»، **مجله دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان**، شماره ۱۷، ۱۳۸۴.

منابع لاتین:

- 25- Audit, Bernard, 1991- La vante international de mech andises Année 1991, Volume 43, pp. 250-251, LGDJ Paris.
- 26- Schlechtriem. peter, 1986, uniform sales Law –the un-convention on contracts for the international sale of goods, pp.1-117 Published by Manz, Aavailable at <http://www.cisg.law.pace.edu/cisg/biblio/slechchtriem.html>
- 27- Honnold. john. 1999. uniform law for international sales under the 1980 United Nations Convention, p313.2ed kluwer law international, available at, <http://www.cisg.law.pace.edu/cisg/biblio/honnold.html>
- 28- Kazimierska. Anna, (1999-2000), the Remedy of Avoidance under the vienna convention on the international sale of goods. pace Review of the convention on contracts for the international sale of goods. PP.79-192, Kluwer
- 29- Sieg Eiselen, 2002, Remaks on the manner in which the uniDriot principles of international commercial contract may be used to interpret or supplement Articles 71 and 72 of the Cisg p3 Available on lineat www.Cisg.law.pace.
- 30-Saidov, Djakhongir, 2006, Anticipatory non-performance and underlying values of the UNIDROIT principles Uniform law review / Revue de droit uniforme (Rome) pp.795-823.
- 31- Treitel. gh. 1984. an out line of the law of contract butterworths. third edition London.
- 32- G.C. Cheshire, C.H.S. Fifoot, M.P. Furnston, Cheshire – fifoots 8 furnstons Law of contract, butter worths, twelfth edition london, p109, 1991